

Kurdistan Farmers and Economic Reform Plans in the Second Pahlavi Era (Documentary Studies)

Sajjad Rahmani Falah^{*}, Mir Hadi Hosseini^{}**

Sayd Asqar Agamirzaee^{*}**

Abstract

The five development plans of the second period of Pahlavi passed in 1327. The main goal of the development programs was to change the economic and social foundations of the traditional Iranian society to a developed country, the most important components of which were to raise the standards of living and becoming an industrial and urban society. The present article tries to study the situation of agriculture and farmers in Kurdistan province during 1327 to 1351 (end the fourth development plan) based on historical research, economic and social approach and collecting documents from reputable document centers such as: Documents in the National Library, Documents Center of Hamedan and documents of budget and planning organization, Parliament research center and library resources to examine it. The research findings showed that by eliminating the landlord-farmer system, the traditional rural management system was abolished without a suitable alternative. Also, the socio-economic development programs of the second Pahlavi in Kurdistan province were mostly related to service projects (influenced by the political-security approach). Therefore, it eventually led to

^{*} PhD Student of History, Kharazmi University, Tehran, Iran, (corresponding author),
sajjad.rahmani@khu.ac.ir

^{**} Assistant Professor of History, Kharazmi University, Tehran, Iran, hosseini@khu.ac.ir

^{***} PhD of History, Shabestar University, Shabestar, Iran, Agamirzaee711@gmail.com

Date received: 2022/10/11, Date of acceptance: 2023/02/19



Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

the formation of public dissatisfaction and political vulnerability. The research method in this article is documentary method and content analysis of documents.

Keywords: Development Plan, Kurdistan Province, Economic Development, Agricultural Economic.



کشاورزان کردستان و برنامه های اصلاحات اقتصادی در دوره پهلوی دوم (مطالعه اسنادی)

سجاد رحمانی فلاح*

میرهادی حسینی**، سیداصغر آقامیرزایی***

چکیده

برنامه های پنج گانه عمرانی و توسعه دوره پهلوی دوم سال ۱۳۲۷ به تصویب رسید. هدف اصلی برنامه های عمرانی این دوره، تغییر بنیان های اقتصادی و اجتماعی جامعه سنتی ایران به یک کشور توسعه یافته بود که مهم ترین مؤلفه های آن بالا بردن سطح استانداردهای زندگی و تبدیل به جامعه صنعتی و شهری بود. مقاله حاضر می کوشد اوضاع کشاورزی و کشاورزان استان کردستان را طی سال های ۱۳۲۷ تا ۱۳۵۱ (پایان برنامه عمرانی چهارم) با تکیه بر پژوهش تاریخی و رویکرد اقتصادی و اجتماعی، براساس جمع آوری اسناد از مراکز معتبر سندی کشور مانند: اسناد موجود در کتابخانه ملی، مرکز اسناد همدان، مدارک موجود در سازمان برنامه و بودجه، مرکز پژوهش های مجلس و منابع کتابخانه ای مورد بررسی و موشکافی قرار دهد. با حذف نظام بهره برداری ارباب - رعیتی، نظام مدیریت سنتی روستایی بدون جایگزین مناسب برچیده شد. همچنین برنامه های توسعه اجتماعی - اقتصادی پهلوی دوم در استان کردستان

* دانشجوی دکتری، تاریخ ایران بعد از اسلام، دانشگاه خوارزمی تهران، ایران (نویسنده مسئول)،

sajjad.rahmani@khu.ac.ir

** استادیار، گروه تاریخ، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران، hosseini@khu.ac.ir

*** دانش آموزخته دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام، دانشگاه آزاد، واحد شبستر،

ایران، Agamirzaee711@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۱۹، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۳۰



بیشتر مربوط به طرح‌های خدماتی بود. (متاثر از رویکرد سیاسی - امنیتی) بنابراین در نهایت منجر به شکل‌گیری نارضایتی عمومی و آسیب‌پذیری سیاسی گردید. روش پژوهش در این مقاله به شیوه اسنادی و تحلیل محتوای اسناد است.

کلیدواژه‌ها: اقتصاد روستایی، برنامه عمرانی، استان کردستان، اقتصاد کشاورزی

۱. مقدمه

تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی به حدی درهم تنیده هستند که مرز مشخصی ندارند و نمی‌توان تأثیرات آن‌ها را بر یکدیگر نادیده گرفت، دگرگونی‌های اقتصادی و اجتماعی معمولاً به امید رسیدن به توسعه صورت می‌گیرد. توسعه مقوله‌ای کیفی، جامع، چندبعدی، انسانی و اجتماعی قلمداد می‌گردد، در چنین دیدگاهی شهروندان هدف توسعه هستند، نه ابزار سیاستمداران و سیاست‌گذاران. به عبارت دقیق‌تر طراحان و برنامه‌ریزان ناگزیرند تمام جوانب توسعه و تأثیرات متقابل سیاست، فرهنگ و اقتصاد را به طور متوازن هدف‌گذاری و اجرا نمایند. استان کردستان از نظر تقسیمات کشوری در ابتدای دهه سی شمسی فرمانداری کل بود و بعداً به عنوان استان دوازدهم به رسمیت شناخته شد. استان تازه تأسیس کردستان بر اساس معیارهای اقتصادی محروم تلقی می‌شد. دو پایه اقتصادی آن؛ کشاورزی و دامداری با وجود ظرفیت فراوان، در کمترین وضع بهره‌وری قرار داشتند. کود و ابزار صنعتی هنوز ناشناخته بود و اغلب زمین‌ها به صورت دیم کشت می‌شد. سیستم ارباب رعیتی و بهره‌های مالکانه، انگیزه توسعه را از رعیت کشاورز گرفته بود. کمبود و گرانی علوفه و بیماری‌های دامی، از مشکلات دامداران بود. بخش خصوصی در اقتصاد سهم نبود. به غیر از تعدادی کارمند و مستخدم ادارات و ارگان‌های نظامی ظرفیت شغلی ایجاد نشده بود. در برنامه عمرانی هفت‌ساله دوم (۴۱-۱۳۳۴)، برنامه عمرانی سوم (۴۶-۱۳۴۱) و برنامه عمرانی چهارم (۵۱-۱۳۴۶) روستاگرایی و توجه ویژه به بخش کشاورزی از نظر برنامه‌ریزان اهمیت ویژه‌ای داشت و طرح‌های خدماتی؛ تامین برق، آب، تلفن، بهداشت عمومی، راه‌سازی، ارتباطات و حمایت از توسعه طرح‌های صنعتی پیش‌بینی شد.

بر مبنای توضیحات آورده شده، سوال اصلی تحقیق این است که "اجرای برنامه‌های عمرانی دوره محمدرضا شاه پهلوی چه تأثیری بر اوضاع روستائیان و کشاورزان استان کردستان طی سال‌های ۱۳۲۷ تا ۱۳۵۱ (پایان برنامه عمرانی چهارم) داشته است؟ که در این پژوهش سعی شده است با رویکرد تاریخی، اجتماعی - اقتصادی به آن پاسخ داده شود.

اجرای برنامه‌های توسعه عمرانی دوره پهلوی دوم در استان کردستان (سال ۱۳۲۷-۱۳۵۱) ضمن برخی از اقدامات مثبت و محدود نظیر: تجهیز محدود زیرساخت‌ها (جاده‌های ارتباطی و مراکز بهداشتی و آموزشی) پیامدهای غیرمستقیم و منفی مانند: مهاجرت از روستاها و کاهش تولیدات دامی را به دنبال داشت. اجرای برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی اگرچه موجب تغییرات گسترده‌ای در برخی حوزه‌ها گردید. اما این تغییرات در استان کردستان با میانگین کشوری فاصله معناداری داشت. اجرای برنامه‌های توسعه گرایانه در قالب اصلاحات ارضی موفق شد؛ رابطه ارباب-رعیتی و اشتغال روستایی را به طور نسبی بهبود بخشد و موجب تضعیف نظام ارباب - رعیتی گردید. در این میان بسیاری از دهقانان صاحب زمین زراعی شدند و نفوذ سیاسی حاکمیت در روستاهای استان کردستان افزایش یافت.

۱.۱ روش تحقیق

در این تحقیق از روش تئوری برخاسته از داده‌ها یا همان گراند تئوری استفاده شد. این روش در سال ۱۹۶۷ توسط بارنی گلیزر و انسلم اشتر و اوس به وجود آمد و پژوهشگر در حوزه‌های موضوعی گوناگون، به جای اتکا به تئوری‌های موجود و از پیش تدوین شده، خود به تدوین تئوری و گزاره اقدام می‌نماید. این تئوری بر زمینه‌ای مستند از داده‌های واقعی بنیان نهاده شده که قبلاً در مورد آن‌ها تحقیق جامع و عمده ای نشده و دانش ما در آن زمینه محدود باشد. در این روش، کشف تئوری بر اساس گردآوری نظام‌مند داده در پژوهش‌های علوم تاریخی و اجتماعی صورت می‌گیرد. به طور اختصار می‌توان گفت: در این پژوهش از داده‌هایی بهره گرفته می‌شود که در فرایند پژوهش به صورت منظم و دقیق گردآوری می‌شوند و مورد تحلیل و بررسی قرار خواهند گرفت.

داده‌های این پژوهش از منابع کتابخانه‌ای، اسناد آرشیوی و تحقیق میدانی به دست آمده و پیامدهای اجرای برنامه‌های عمرانی دوره پهلوی دوم با تکیه بر شواهد تاریخی، قوانین برنامه و بودجه‌های سالیانه و مراجعه به مراکز اسنادی معتبر، مورد تحلیل قرار گرفته است. همچنین سعی شده است با رویکرد تاریخی، اجتماعی - اقتصادی به سوال این تحقیق پاسخ داده شود. از سوی دیگر وضعیت اقتصاد روستایی استان کردستان (اشتغال، کشاورزی، اصلاحات ارضی و وضعیت معیشت کشاورزان) از سال ۱۳۲۷ تا ۱۳۵۱ براساس برنامه‌ها و طرح‌های دولت برای توسعه اقتصادی، بررسی گردید.

۲.۱ پیشینه پژوهش

در مورد تحولات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ایران دوره محمد رضا شاه، آثار تحقیقی تاریخی متنوعی با دیدگاه‌های مختلفی به رشته تحریر درآمده است که بیشتر آن‌ها مشتمل بر خاطره‌نویسی، نشر اسناد، تجزیه و تحلیل مسائل سیاسی مهم این دوره است و برخی دیگر از این پژوهش‌ها، فقط تحولات ایران را به طور کلی بررسی نموده‌اند که شامل استان‌های مختلف ایران می‌باشد. ولی در خصوص موضوعات مرتبط با این موضوع پژوهش‌هایی صورت گرفته است که مرتبط‌ترین آن‌ها با موضوع مورد بحث ما شامل موارد زیر است:

بختیاری، صادق، (۱۳۸۲) تحلیلی از توزیع درآمد با استفاده از روش پارامتریک، انتشارات معاونت امور اقتصادی، وزارت امور اقتصادی و دارایی: نویسنده با توجه به منابع معتبر به چگونگی طراحی برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی ایران در دوره پهلوی دوم می‌پردازد و ضمن تشریح برنامه‌های طراحی شده برای توسعه اجتماعی و اقتصادی ایران درآمدها را مورد نقد قرار می‌دهد و کیفیت، کمیت و شیوه اجرای این برنامه‌ها را مورد نقد و بررسی قرار می‌دهد. محور زمان طراحی شده و کیفیت اجرای برنامه‌ها و موانع را تشریح نموده است و تاثیرات مثبت و منفی موضوعات مهمی مانند اصلاحات ارضی و نفت را در کیفیت اجرای این برنامه‌ها به چالش کشیده می‌شود. از جمله تبعات اصلاحات ارضی که در واقع با نیت رسیدن به اهداف سیاسی طراحی و اجرا شد اما در عمل پیامدهای اجتماعی و اقتصادی ناگزیری به دنبال داشت؛ مانند: مهاجرت روستاییان به شهرها، رشد حاشیه‌نشینی، ایجاد شغل‌های کاذب، تشدید و گسترش پدیده قاچاق در روستاها و شهرهای مرزی ایران گردید. این تحقیق یک پژوهش علمی و تحلیلی از اوضاع کلی ایران را نشان می‌دهد و در نهایت بیان می‌کند که اجرای ناقص این برنامه‌ها، خود به موانع توسعه یافتگی دامن زده است. اما نویسندگان این پژوهش سعی دارند تا با تکیه بر مدارک معتبر، آمار و ارقام سازمان بودجه ضمن بررسی برنامه‌ها، نتایج عملی آن‌ها را فقط در استان کردستان مورد بررسی و تحلیل قرار دهند و سهم اقتصاد کشاورزی استان کردستان از اجرای این برنامه‌ها را مشخص گردد.

پاسبان سردابی، زیبا، (۱۳۹۲) بررسی روند اصلاحات در دوره پهلوی دوم با تکیه بر دولت علی امینی، دانشگاه بیرجند، استاد راهنما: سیدحسن رییس السادات. در این تحقیق آمده است: اقدام برای تغییر برخی از جنبه‌های حیات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جامعه که از آن به "اصلاح" تعبیر می‌شود که از قرن نوزدهم در ایران آغاز شد. این پژوهش روند اصلاحات از دوره قاجار تا پایان نخست‌وزیری علی امینی (۱۳۴۱-۱۳۴۰) را بررسی می‌کند. نویسنده،

تلاش های اصلاح طلبانی چون عباس میرزا در جنبه های نظامی و پس از او امیرکبیر در بخش های آموزشی، حکومت داری، سیاست خارجی و میرزا حسین خان سپهسالار بیان می کند. بعد از مشروطیت و ناامیدی از بهبود اوضاع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، اصلاحات در دوره شانزده ساله حکومت رضا شاه پهلوی در حوزه های مختلف هم چون نظام حقوقی، نظام آموزشی، پایه گذاری ارتش نوین، احداث دانشگاه و ... بر مبنای حکومت مطلقه، دنبال می شود. اصلاحات در دوره محمد رضا پهلوی در قالب برنامه های عمرانی دنبال شد و با توجه به درآمد رو به افزایش نفت، نوعی اقتصاد سرمایه داری وابسته در کشور به وجود آمد. در این دوره نقش آمریکا در صحنه سیاسی ایران پررنگ تر شده بود و اصلاحات گسترده را در کشورهای جهان سوم مورد حمایت قرار می داد. بدین ترتیب دولت امینی که نتیجه همراهی و توافق سیاست خارجی آمریکا با اصلاح طلبان داخلی بود، روی کار آمد و دوره ای خاص را در تاریخ معاصر ایران رقم زد. وی در رأس برنامه هایش از اصلاحات ارضی، اصلاحات اقتصادی، فرهنگی، اداری و نظامی سخن گفت. اما عدم پشتیبانی مردمی و مالی از اصلاحات او و کارشکنی شاه در کار دولت، باعث شد نتواند اصلاحات را در مسیر درست هدایت کند و پرونده اصلاحات امینی بسته شد. این تحقیق نشان داده است که اصلاحات محمد رضا پهلوی به رهبری دکتر امینی و با پشتیبانی آمریکا نتوانسته است به اهداف خود برسد.

از آن جایی که کردستان هم از نظر سیاسی تابع حکومت مرکزی بوده است و سرنوشت اقتصادی و اجتماعی آن از ایران جدا نمی باشد، در این پژوهش می خواهیم تاثیرات برنامه های عمرانی پهلوی در زمینه اقتصاد کشاورزی در کردستان را نقد و بررسی نماییم.

در مورد "استان کردستان" به خصوص دوره مذکور متأسفانه آثار درخور توجه ای وجود ندارد و بیشتر تاریخ سیاسی مدنظر محققان بوده است. اما در این میان می توان به کتاب "اصلاحات ارضی در کردستان" اثر شهین رعنائی اشاره نمود که پیامدهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی اصلاحات ارضی را در استان کردستان مورد واکاوی قرار داده است.

۳.۱ وجه نوآورانه تحقیق

همان طور که قبلاً یادآوری نمودیم منابع مکتوب دست اول و منابع تحقیقاتی بیشتر به مسایل سیاسی و نظامی کردستان توجه نموده اند و همین امر سختی کار پژوهش در امور اجتماعی و اقتصادی کردستان را بسیار سخت نموده است. در نتیجه، معتبرترین و دشوارترین راه را برای پاسخگویی به سوال پژوهش حاضر برگزیدیم؛ یعنی مراجعه به مراکز اسنادی معتبر کشور و

جمع آوری اسناد دست اول پرداختیم و علاوه بر اسناد، روزنامه‌ها و مجلات دوره مورد بحث را بررسی نمودیم و بعد از جمع‌آوری و دسته‌بندی موضوعی، "وضعیت کشاورزی و اقتصاد روستایی استان کردستان" در کنار برنامه‌های عمرانی و توسعه‌ای دوره پهلوی (برنامه اول تا چهارم) مورد بررسی و تحلیل قرار دادیم و پژوهش خود را تحریر نمودیم.

۲. وضعیت معیشتی روستائیان کردستان (۱۳۵۱-۱۳۲۷)

اهالی کردستان به سبب درآمد کشاورزی کم، دامداری و نرخ پایین اشتغال در دوره مورد مطالعه (از آغاز تا پایان پایان برنامه عمرانی چهارم (۱۳۵۱-۱۳۲۷)^۱ به لحاظ معیشت وضعیت سختی داشتند. بررسی شکوائیه‌های مردم خطاب به مسئولان، حاکی از وضعیت بد معیشتی آنان بود. در سال‌های کم بارش، مناطق دور افتاده کردستان به لحاظ تهیه گندم برای نان دچار مضیقه می‌شدند. (ساکما، شماره سند ۲۹۰/۸۳۳۰) در برخی از سال‌ها، روستاها در خطر قحطی و گرسنگی قرار می‌گرفتند. برای مثال قریه "اورامان تخت" در بخش سروآباد شهرستان مریوان (سال ۱۳۵۰) با جمعیتی بالای ۲۰۰۰ نفر و ۴۰۰ خانوار با مشکل بی‌آبی شدید و قحطی گندم و جو روبه‌رو بود و به ناچار از درختان گردو و گلابی وحشی ارتزاق می‌کردند. طبق نظر کارشناسان دولت وقت، این منطقه به کمک فوری جهت تأمین گندم نیاز مبرم داشت. (ساکما، شماره سند ۹۱/۲۹۳/۲۵۵۳) راه‌های نامناسب اصلی و فرعی، عدم لوله‌کشی آب آشامیدنی، نرخ بالای بی‌سوادی و کم‌سوادی، رعایت نکردن بهداشت، سطح پایین درآمد کشاورزی، دامداری و ازدیاد خوش‌نشین‌ها از مشکلات عمده روستاهای کردستان بود. (ساکما، شماره سند ۹۱/۲۹۳/۲۵۵۳)

به نسبت سختی دسترسی به روستاهای کردستان، کالاها با قیمت گران‌تر به دست روستائینان می‌رسید. (ساکما، شماره سند ۹۱/۲۹۳/۲۵۵۳) معمولاً اختلاف قیمت اجناس در شهر و روستاهای کردستان زیاد بود. برای مثال هر حلب نفت (سال ۱۳۳۷) در شهرهای کردستان ۶۰ ریال بود در حالی که در روستاهای دور افتاده ۲۵۰ ریال به فروش می‌رسید. همچنین قندوشکر دولتی به روستاهای استان نمی‌رسید و در صورت موجود شدن، اهالی توان خرید نقدی را نداشتند و به ناچار از پیله‌وران (چرخ‌چی) خریداری می‌کردند و در مقابل هر دوکیلو شکر و یک کیلو روغن سهم دولتی خود را به چرخ‌چی‌ها می‌دادند. یعنی روغن خود را با کیلویی ۴۰ ریال از دست می‌دادند. (ساکما، شماره سند ۲۹۰/۸۳۳۰) در سال ۱۳۵۰ با گسترش جاده‌ها، قیمت یک حلب نفت در شهر مریوان حدوداً به ۳/۵ یا ۴ رسید و در روستاهای

کشاورزان کردستان و برنامه های اصلاحات ... (سجاد رحمانی فلاح و دیگران) ۱۰۹

دوردست تا ۷ ریال به فروش می رسید. (ساکما، شماره سند ۲۵۵۳/۹۱/۲۹۳) این اختلاف قیمت ها و رونق دلالی، ایجاد و تأسیس شرکت های تعاونی مصرف را ضرورت می بخشید. شرکت های تعاونی در روستاهای کردستان حداقل تا سال ۱۳۵۰ نتوانسته بودند حتی قدم های اولیه را در راه تعاون بردارند. (ساکما، شماره سند ۲۵۵۳/۹۱/۲۹۳)

کسبه کردستان اغلب کم درآمد بودند. در مناطق مرزی کردستان معاملات تجاری با عراق رواج داشت و اهالی روستاهای مرزی احتیاجات خود را بیشتر از عراق تأمین می کردند. ماهیت مرزی، راه های نامناسب و عدم امنیت در راه ها از علل اصلی این تجارت بود. اهالی روستاهای مرزی که به تولید غله و دامپروری اشتغال داشتند، محصولاتشان را در مناطق کردنشین عراق می فروختند. (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۱۹، ج ۲۲۳، مورخ ۱۳۳۷/۵/۱۹) در حالی که مأموران گمرکی از مبادلات اندک اهالی بومی، مطالبه سود بازرگانی می کردند. به طور مثال گمرک برای واردات هر کیلو چای خارجی، خرید ۲۵۰ گرم چای داخلی را اجباری کرده بود. این قانون برای کاسب کاران کوچک کردستانی با توجه به دوری از مراکز خرید داخلی (سنندج، تهران، تبریز و همدان) سخت و دشوار بود. (ساکما، شماره سند ۲۹۰/۸۳۳۰) قصاب های شهری از جمله صنوفی بودند که با مردمان روستایی دادوستد داشتند. قصابان شهرهای کردستان اغلب بی بضاعت بودند و در موقع مناسب نمی توانستند گوسفند خریداری و پرواربندی نمایند و به همین دلیل گاهی در فصل زمستان در کردستان با کمبود گوشت مواجه می شدند و به ناچار از گوشت بز استفاده می کردند. (ساکما، شماره سند ۲۴۹۵/۹۱/۲۹۳) عدم راه ارتباطی مناسب، مشکلات حمل و نقل و فقر مالی در روستاها، موجب احداث ساختمان ها از "گل و خشت" می شد. در مناطقی که روستاییان به سنگ و چوب دسترسی داشتند در ساخت خانه های خود از این مصالح استفاده می نمودند و رابطه مستقیمی بین موقعیت جغرافیایی و مصالح ساختمانی وجود داشت، یعنی نواحی کوهستانی، روستاهای مریوان و بانه و بخش هایی از سقز و کامیاران در ساخت خانه های خود از سنگ استفاده می کردند، اما در شرق استان به علت شرایط جغرافیایی مصالح به کاررفته در بنای ساختمان ها تغییر می کرد. به طوری که در سال ۱۳۳۵ در روستاهای سنندج ۳۶ درصد، روستاهای سقز ۱۷ درصد از سنگ استفاده می شد و در شهرستان های "قروه و بیجار" حدود ۷۰ درصد مصالح واحدهای روستایی را "گل" و ۲۷ درصد مصالح را "خشت خام" تشکیل می داد. (مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس مسکن در آبان ماه ۱۳۳۵)

۳. وضعیت راه‌های استان کردستان و مشکلات کشاورزان

از مهم‌ترین مشکلات کشاورزان کردستان، مسأله راه و جاده بود. به دلیل محدودیت‌های جاده‌ای محصولات روستائیان به موقع به بازار فروش نمی‌رسید. به همین دلیل اکثر مایحتاج و خواربار ساکنین منطقه از شهرهای دور دست (تهران، همدان، ارومیه، کرمانشاه و تبریز) خریداری و حمل می‌شد. (ساکما، شماره سند ۹۱/۲۹۳/۲۳۶۶) نمونه آن روستاهای بخش سروآباد در شهرستان مریوان بود که علیرغم محصولات باغی و دامی، دادوستد مناسبی با شهر نداشتند و عملاً رونق اقتصادی شکل نمی‌گرفت. (ساکما، شماره سند ۹۱/۲۹۳/۲۵۵۳) تا سال ۱۳۵۲، در اکثر روستاهای نوار مرزی، جاده ماشین‌رو احداث نشده بود، بیشتر راه‌های منطقه، کوهستانی و صعب‌العبور بودند و برای حمل و نقل از چهارپایان استفاده می‌شد و راه روستایی آسفالت وجود نداشت. شصت کیلومتر جاده بانه به سقز علیرغم اهمیت اقتصادی، آسفالت نبود. (ساکما، شماره سند ۹۱/۲۹۳/۲۳۶۶)

دو رشته راه در استان دارای اهمیت اقتصادی زیادی بود و حدود ۸۰ الی ۱۰۰ آبادی با تخمین جمعیتی ۱۰۰ هزار را شامل می‌شد: اولی کامیاران را از طریق پلنگان به پایگلان و بیساران و سرهویه به آویهنگ و از آن‌جا به تودار در راه اصلی مریوان به سنندج متصل می‌کرد. راه دوم، کامیاران را از طریق پلنگان به پایگلان و ژنین و آریان به دوآب در همان راه اصلی می‌رساند. (ساکما، شماره سند ۹۱/۲۹۳/۲۵۵۳) طبق گزارش «هیئت بررسی بهبود امور مناطق کردنشین» از تاریخ ۳۷/۲/۷ تا ۳۷/۳/۱۵ "بهترین راه این استان، جاده سنندج - همدان بود که در گردنه معروف صلوات آباد سالی چهارماه به علت شرایط آب‌وهوایی و عدم وسایل راهداری مسدود می‌شد. راه‌های بین شهری کردستان، برای مقاصد نظامی ساخته شده بود و کیفیت لازم را نداشت. طبق همین گزارش بدون احداث راه هیچ‌گونه نقشه اصلاحی در کردستان عملی نبود. (ساکما، شماره سند ۲۹۰/۸۳۳۰) در اوایل سال ۱۳۵۲، اغلب روستائیان از جمله: اهالی روستاهای کسنزان، قشلاق‌پل و سردره به فرمانداری سقز مراجعه نمودند و خواستار احداث و یا مرمت جاده ماشین‌رو شدند، اما فرمانداری برای احداث و مرمت راه‌ها، اعتبار عمرانی در اختیار نداشت و اهالی را به استناداری کردستان ارجاع داد. استناداری نیز با استناد به برنامه پنجم توسعه و حذف طرح‌های منفرد روستایی، درخواست را به اداره کل تعاون و امور روستایی ارجاع داد. (ساکما، شماره سند ۹۱/۲۹۳/۲۷۹۰) اهالی دیواندره نیز درخواست مشابهی داشتند و می‌توان گفت راه و جاده از دغدغه‌های اصلی مردم بود. (همان)

در پروژه های عمران روستایی، مهم ترین مساله راه فرعی بود. راه های فرعی کردستان تا سال ۱۳۴۲، برابر ۴۲۸ کیلومتر بود. (امکانات توسعه صنعتی در کردستان و کرمانشاهان، سازمان برنامه، بی تا، ص ۲۷) روستاهایی که راه مناسبی نداشتند، در سایر پروژه های عمرانی از اولویت دولت هم خارج می شدند. در فاصله سال های ۱۳۵۱ تا ۱۳۵۲، راه های فرعی روستایی زیادی در مریوان احداث شد. (ساکما، شماره سند ۲۷۹۰/۹۱/۲۹۳)

۴. منابع آب کشاورزی کردستان

آب و آبیاری از دیگر مشکلات عمده کشاورزان استان کردستان بود. اغلب محصولات کشاورزی به صورت دیم کشت می شد. از آنجایی که آب نقش بسیار مهمی در تشکیل تمدن های بشری داشت، لذا بیشتر روستاهای کردستان در کنار یک چشمه یا نزدیک رودخانه تشکیل شده و توسعه یافته بودند. قبل از اصلاحات ارضی در ۱۶۲۶ روستای کردستان ۲۵۳۳۴ رشته چشمه وجود داشت که مهم ترین منبع آب آشامیدنی و کشاورزی بودند. ۸۴/۷ درصد روستاهای منطقه از آب چشمه ها استفاده می کردند و به ترتیب سنندج، مریوان و سقز بیشترین تعداد چشمه ها را داشتند. در ۸۹۴ روستا ۴۸۴۴ رودخانه وجود داشت، یعنی بعد از چشمه ها مهم ترین منبع تأمین آب روستاییان کردستان را تشکیل می دادند. شهرستان های "قروه و بیجار" از نظر آب های سطحی فقیرتر بودند ولی بیشترین زمین های کشاورزی در این مناطق بود و با حفر چاه های عمیق و نیمه عمیق مشکل کم آبی برای مدتی حل شد اما در بیجارگروس این مشکل همچنان کشاورزان را رنج می دهد. (مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری کشاورزی، ص ۷۹۸-۷۹۶) به عبارت دیگر بر اساس اهمیت، منابع تأمین آب در کردستان عبارت بودند از: (۱) چشمه ها (۲) رودخانه ها (۳) چاه های معمولی (۴) چاه های عمیق و نیمه عمیق (۵) قنات ها.

در سال هایی که آسمان بر زمین بخل می ورزید، بسیاری از منابع آبی مانند: چشمه ها و رودخانه های فصلی خشک می شدند و آب کافی برای رفع نیاز روستاییان وجود نداشت، در نتیجه بسیاری مجبور به مهاجرت می شدند. تشخیص کارشناسان فنی در اوایل دهه چهل شمسی درباره امکان سدسازی بر روی رودخانه های استان کردستان این بود که به دلیل کم آبی آنها، چنین امکانی وجود ندارد و بهتر است از منابع آب زیرزمینی (اغلب در ده متری قابل دسترسی بود). استفاده شود. (امکانات توسعه ی صنعتی در کردستان و کرمانشاه، سازمان برنامه، ص ۳۲) سازمان برنامه در سال ۱۳۴۱ به سازمان عمران کردستان دستور داد تا امکانات رودخانه

زاب را برای ایجاد سد مطالعه کند. سازمان برنامه امیدوار بود، با ایجاد سد و توسعه کشاورزی، مشکل بیکاری را نیز به نوعی حل کند. (ساکما، شماره سند ۲۲۰/۹۰۱۸) مدیرعامل سازمان برنامه کشور، صفی اصفیا، به منظور تهیه نقشه آبیاری استان کردستان دو اکیپ نقشه‌بردار با وسایل و تجهیزات لازم، مرکب از یک نقشه‌بردار و یک کمک نقشه‌بردار و در صورت امکان یک نفر مهندس ساختمان را از سازمان نقشه برداری کشور درخواست کرد تا در آذرماه ۱۳۴۱ به همراه مهندس نیک‌زاد، کارشناس بنگاه مستقل آبیاری، به کردستان عزیمت نمایند. (همان) طرح «مطالعات آبیاری کردستان و کرمانشاه» به شماره ۰۴۳۲۰ به مبلغ ۲۲ میلیون ریال اجرا شد. (ساکما، شماره سند ۲۲۰/۱۴۷۱۹) طبق نظر کارشناسان عمرانی و کشاورزی استان کردستان، در اوایل دهه چهل شمسی، هدف اصلی توسعه، استفاده از منابع آب در این استان به جای زیر کشت آوردن اراضی جدید بود تا با تبدیل زراعت دیم به آبی، عملکرد محصول را افزایش دهند. در نهایت وزارت آب و برق با این استدلال که کردستان اراضی وسیع زراعتی ندارد، پیشنهاد انحراف آب‌های این استان را به سمت دشت‌های کرمانشاه ارائه کرد. (ساکما، شماره سند ۳۷۰/۹۵۰۱)

طرح آبی عمده‌ای در دوره ۱۳۵۱-۱۳۲۷ در استان کردستان اجرا نشد و کارها در سطح مطالعات باقی ماند. آنچه محقق شد؛ طرح‌های کوچک مثل استفاده از آب دریاچه زریوار مریوان به جهت آبیاری کشاورزی دشت بین دریاچه و شهر به اجرا درآمد. آب دریاچه به وسیله موتور به دشت منتقل می‌شد و به فواصل معین شیرهایی تعبیه شده بود. (ساکما، شماره سند ۹۱/۲۹۳/۲۵۵۳)

باوجود تمام مشکلات، گاهی دولت، خرید تضمینی غله و یا پرداخت پول به کشاورزان را به تأخیر می‌انداخت. علاوه بر راه، آب، تأخیر در خرید، عدم پرداخت به موقع پول خرید گندم به کشاورزان و کمبود مراکز دائم خرید غله و سیلو از جمله مشکلات کشاورزان کردستانی بود. (ساکما، شماره سند ۲۳۰/۷۴۹۱ و ۲۲۰/۱۱۲۶۱) در برنامه عمرانی چهارم (۵۱-۱۳۴۶) تکمیل و احداث سیلوهای جدید مصوب شد. (گزارش توزیع طرح‌های عمرانی برنامه چهارم بر حسب شهرستان و استان (۱۳۴۶-۱۳۵۱)، سازمان برنامه، ۱۳۵۲، ص ۱۲۳) طرح سیلوی سقز با مشارکت مهندسین و مشاورین شوروی در سال ۱۳۵۲، به مبلغ ۴۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به پایان رسید. (ساکما، شماره سند ۹۱/۲۹۳/۹۶۱۸ و ۹۱/۲۹۳/۹۶۰۳) استاندار کردستان، امین آزاد، در آذرماه ۱۳۴۱، در نامه‌ای به مدیرعامل سازمان برنامه، تسریع در تأسیس سازمان برنامه استان کردستان با اعتبار لازم را خواستار می‌شود و اعلام می‌دارد که بیکاران استان «محتاج قوت

کشاورزان کردستان و برنامه های اصلاحات ... (سجاد رحمانی فلاح و دیگران) ۱۱۳

لایموت» هستند و سریعاً باید به کار گمارده شوند. (ساکما، شماره سند ۱۴۷۱۹/۲۲۰) سازمان عمران کردستان از اول دی ماه ۱۳۴۱ رسماً تشکیل شد و بنا به وظیفه سازمانی، تهیه و تنظیم طرح های عمرانی از طریق کسب اطلاعات و تماس با ادارات مربوطه را فراهم می ساخت. در واقع، هدف آنان سرپرستی و هماهنگ ساختن کلیه امور عمرانی بود.

۵. وضعیت کشاورزی کردستان قبل از اجرای برنامه های توسعه

اجرای برنامه اصلاحات ارضی یکی از برنامه های مهم اقتصادی و اجتماعی دوره محمدرضا شاه بود که بنا به دلایل داخلی، خارجی و در اجرای برنامه عمرانی توسعه سوم و انقلاب سفید در زمان نخست وزیر دکتور علی امینی به تصویب رسید و استان کردستان نیز جز نخستین مناطقی بود که برنامه اصلاحات ارضی در آن به اجرا درآمد.

"دوره مالک" در میان روستانشینان کردستان به دوره قبل از اصلاحات ارضی اطلاق می شود و اربابان با عناوینی مانند: "خان، سلطان شیخ، بگ و آغا" خوانده می شدند. (سن مارتین، ۱۳۷۸، ص ۱۷) ملک آنها دارای سند مالکیت بود که بنچاق نام داشت. ملاک اندازه گیری املاک، دانگ بوده است که هر ملک شش دانگ و هر دانگ، به شانزده شعیر تقسیم می شد. (ساختار نظام بهره برداری ارضی در کردستان قبل از اصلاحات ارضی، مجله جامعه شناسی ایران، دوره دوازدهم، شماره ۱-۲)

در کردستان زمین از جانب مالک به کشاورز واگذار می شد و ابزار کار و نیروی انسانی نقش مهمی در مدت زمان و میزان زمین در اختیار کشاورز داشت و اگر کشاورز زمین مالک را به بهترین شیوه ممکن به بهره برداری می رساند، زمین برای سالها در اختیار او قرار داده می شد و در بیشتر موارد قرارداد مکتوبی بین زارع و ارباب وجود نداشت. کار، تولید و آبادانی در روستاها ارزش محسوب می شد، بنابراین ادامه کار کشاورز بستگی به نظر مالک داشت. معمولاً مهم ترین مؤلفه در ادامه همکاری کشاورز و مالک، میزان تلاش و کوشش کشاورز برای بهره برداری بیشتر از زمین بود. مالک می توانست بر اساس میل و اختیار خود کشاورز را از کار بر روی زمین منع کند. عدم وجود قرارداد مکتوب موجب می شد، تصمیم مالکین تحت تاثیر سلیق شخصی قرار گیرد و این امر عدم اطمینان رعایا را دو چندان می کرد. شیوه تقسیم محصول در روستاها متفاوت بود و مالکان، کشاورزان پرتلاش را مایه آبادانی ملک خود می دانستند. همچنین در روستاها فردی به نام "میرآب" وظیفه نظارت بر تقسیم میزان آب و رعایت کردن نوبت آبیاری را برعهده داشت. منابع آبیاری معمولاً آب رودخانه، چشمه، چاه و

قنات بود که کشاورزان به صورت توافقی بر اساس عرف محل و به صورت "جوغ بندی" از آب استفاده می کردند. (لمبتون، ۱۳۴۵، ص ۴۲)

اشتغال تاریخی در کردستان همواره کشاورزی و دامداری بود که امرار معاش مختصری را فراهم می کرد و غالباً امکان پس انداز در این شیوه وجود نداشت. در اسناد مختلف درباره کشاورزان کردستانی متوجه این نکته می شویم که اکثریت آنها وضعیت مالی خوبی نداشتند. (ساکما، شماره سند ۹۱/۲۹۳/۲۴۹۵) برداشت محصول در دهه سی و اوایل چهل شمسی معمولاً "یک تخم، هفت تخم" بود. بهره‌وری کم زمین‌های زراعتی موجب عدم صرفه اقتصادی می شد. (ساکما، شماره سند ۲۹۰/۸۳۳۰) همان‌طور که گفته شد، تقسیم محصول بین مالک و زارع در کردستان قبل از اصلاحات ارضی، اصولاً بر اساس پنج یک در آبی، دیم و سردرختی بود، اما در بعضی نقاط بهره مالکانه تغییر می کرد. مثلاً در محصول توتون به ثلث و حتی نصف هم می رسید. (ساکما، شماره سند ۲۹۰/۸۳۳۰) در برخی اسناد گزارش استنکاف کشاورزان از تأدیه برخی از اقلام بهره مالکانه و تذکر وزارت کشور به فرمانداری کل کردستان آمده است. (ساکما، شماره سند ۹۱/۲۹۳/۹۶۵۱) روزنامه اطلاعات از فرار برخی از رعایای کردستانی در دهه سی از روستاها به شهرها به علت افزایش عوارض مالکانه خبر داده است. (روزنامه اطلاعات، ش ۸۱۶، مورخ ۱۳۳۴/۷/۲، ص ۹) کشاورزان بی بضاعت کردستانی، اغلب نیازمند وام‌های کم بهره دولتی بودند که با بهره شش درصد به آنها داده می شد. (ساکما، شماره سند ۹۱/۲۹۳/۲۴۹۵ و ۹۱/۲۹۳/۲۵۵۳) پرداخت وام کشاورزی بر اصول و نظارت خاصی مبتنی نبود به همین دلیل بیشتر وام‌های پرداختی به کشاورزان صرف امور غیرکاری و خانوادگی مانند: مراسم عروسی، زیارت، خرید وسایل زندگی و از این قبیل می شد و چون این وام‌ها در کارهای تولیدی و کشاورزی سرمایه‌گذاری نمی شد، در نتیجه کشاورزان از پرداخت بدهی بانکی عاجز می شدند و بالاجبار محصول خود را به تجار پیش فروش می کردند. (ساکما، شماره سند ۹۱/۲۹۳/۹۶۱۸)

مجموع اراضی استان کردستان در سال ۱۳۳۹، برابر ۴۹۸۵۶۵ هکتار بود. از این مقدار ۷۶ درصد، در بهره‌برداری رعیت قرار داشت. ۴۸/۵ درصد، از اراضی تحت کشت زراعت‌های سالانه و ۵۲/۲ درصد از آن آیش و ۰/۵ درصد، تحت کشت نباتات علوفه‌ای (مراعات مصنوعی) و بقیه اختصاص به زراعت‌های دائمی داشت. ۸۵/۴ درصد از کل سطح کاشت زراعت‌های سالانه و نباتات علوفه‌ای مربوط به گندم و ۱۰/۳ درصد مربوط به جو و فقط ۴/۳ درصد مربوط به سایر زراعت‌ها بوده است. در این میان، فقط ۱۴ درصد از سطح کاشت گندم و ۹

درصد از سطح کاشت جو، آبیاری می شد و بقیه دیم بود. در مورد سایر زراعت‌ها، فقط ۱۳ درصد از سطح کشت دیمی بود و بقیه کلاً آبیاری می شد. عملکرد گندم به طور کلی ۶۳۹ کیلو (گندم آبی ۱۱۹۳ کیلو - گندم دیم ۵۵۰ کیلو) در هر هکتار و عملکرد جو به طور کلی ۵۴۹ کیلو (جو آبی ۱۲۴۶ کیلو - جو دیمی ۴۸۰ کیلو) در هر هکتار بود. تا این زمان کاشت مخلوط یا متوالی؛ یعنی استفاده دوگانه از زمین در یک سال زراعی مرسوم نبود. حدود ۱/۳ درصد از تراکتور و بقیه از چهارپایان برای کشاورزی استفاده می کردند. (آمارگیری کشاورزی کل کشور سال ۱۳۳۹، ج ۶، ص ۱۱-۱۵) در شهرستان مریوان به دلیل شرایط جغرافیایی، وسعت زمین‌های کشاورزی بسیار کم بود اما در شهرستان‌های قروه و بیجار گروس زمین‌های زراعی مرغوبی وجود داشت. اقتصاد اصلی شهرستان سقز کشاورزی به شکل دیم و دامداری بود و از ۴۰۰ هزار هکتار مزروعی، حدود ۳۵۰ هزار آن به صورت دیم کشت می شد. (ساکما، شماره سند ۹۱/۲۹۳/۲۸۲۲)

۶. اجرای اصلاحات ارضی در کردستان و تاثیرات اقتصادی و اجتماعی آن

هدف از اجرای برنامه اصلاحات ارضی، پاسخگویی به نیازهای در حال رشد و گسترش بازار بود. کردستان جز نخستین مناطقی بود که این برنامه اقتصادی و اجتماعی در آن به اجرا درآمد. اجرای اصلاحات ارضی در کردستان در تاریخ بیستم شهریور ماه ۱۳۴۱ با انتشار آگهی نوبت اول و تسلیم اظهارنامه به مالکان مناطق "قروه و سنندج" آغاز گردید. (روزنامه اطلاعات، (۲۱ شهریورماه ۱۳۴۱)، ش ۱۰۸۹۵ ص ۵) از ۷۷۴ روستای موجود در این دو شهرستان، ۴۶۰ روستا مشمول تقسیم شدند و اراضی به زارعان واگذار گردید. تعداد روستاهای "شهرستان بیجار گروس" ۲۶۷ روستا اعلام گردید و آگهی نوبت اول در تاریخ یکم آبان ۱۳۴۱ منتشر شد و همزمان ۱۸ روستای شش‌دانگ و ۳۷ روستای کمتر از شش‌دانگ میان زارعان تقسیم شد. (روزنامه اطلاعات (۲ آبان ۱۳۴۱) ش ۱۰۹۳۱، ص ۱۷) برخلاف شهرستان‌های سنندج، قروه و بیجار در شهرستان‌های سقز، بانه و مریوان، کوچک‌ترین توجه‌ای به این امر نشد. هرچند در یکم آبان ماه سال ۱۳۴۱ آگهی مربوط به این مناطق و اظهارنامه منتشر گردید. (روزنامه اطلاعات، (۱ آبان ۱۳۴۱)، ش ۱۰۹۳۵، ص ۶) در سقز با وجود آن‌که موعد مقرر تقسیم اراضی به اتمام رسیده بود ولی هیچ‌کدام از مالکان نسبت به تنظیم اظهارنامه اقدام نکردند و عملاً در برابر اصلاحات ارضی و تقسیم اراضی، مقاومت سرسختانه‌ای نشان دادند.

مرحله اول برنامه اصلاحات ارضی تنها عمده مالکان روستاها را شامل می شد؛ یعنی انتقال املاک زائد بر حد نصاب قانونی از مالکان مشمول به دولت و همچنین خرید املاک مالکانی که داوطلب فروش ملک خویش بودند و تقسیم املاک مزبور بین زارعین صاحب نسق از مهرماه ۱۳۴۱ در استان کردستان آغاز و تا سال ۱۳۴۵ در ۵۱۳ روستا و حدود ۲۲۰۰ دانگ به ارزش دویست و پنجاه میلیون و چهارصد و پانزده هزار ریال از این قبیل مالکان به دولت منتقل گردید و در حدود پنجاه و سه میلیون و هشتصد و هفتاد هزار ریال پیش پرداخت (قسط اول) بهای املاک به فروشندگان ملک و یا به صندوق ثبت، جهت پرداخت به آنان تأدیه گردید. املاک مزبور بین ۲۲۸۷۳ خانوار زارع صاحب نسق تقسیم و اسناد انتقال املاک به آنان تنظیم و تسلیم گردید. وزیر کشاورزی وقت، تیمسار ریاحی، فروردین ماه ۱۳۴۲ شخصاً برای توزیع اسناد مالکیت کشاورزان در سندج حضور یافت. (روزنامه اطلاعات، (۲۶ فروردین ۱۳۴۲)، ش ۱۱۰۶۸، ص ۱۰)

مرحله دوم قانون اصلاحات ارضی، یعنی تعیین تکلیف خرده مالکین و زارعینی که در املاک آن‌ها زراعت می کنند، در تاریخ ۱۳۴۴/۱/۱۷ از شهرستان قروه آغاز و تا پایان خرداد ۱۳۴۵، به طول انجامید. (ساکما، شماره سند ۱۱۲۶۱/۲۲۰) دولت برای حمایت از اصلاحات ارضی به کشاورزان وام پرداخت کرد و برخی از فرمانداران شخصاً مبلغ وام را در روستاها به کشاورزان تحویل می دادند. (روزنامه اطلاعات، (۹ مهر ۱۳۴۲)، ش ۱۱۲۲۳، ص ۱۰)

۷. واکنش مالکان استان کردستان نسبت به اجرای برنامه اصلاحات ارضی

واکنش مالکان در برابر واگذاری زمین در نقاط مختلف استان کردستان یکسان نبود و مالکان موضع گیری متفاوتی، در برابر اجرای اصلاحات ارضی اتخاذ نمودند. همان طور که اشاره شد؛ شهرستان بیجارگروس دارای ۲۶۷ روستا بود و آگهی نوبت اول این شهرستان در تاریخ اول آبان ۱۳۴۱ منتشر شد. همزمان ۱۸ روستای شش دانگ و ۳۷ روستای کمتر از شش دانگ میان زارعان تقسیم شد. (روزنامه اطلاعات (۲ آبان ۱۳۴۱)، شماره ۱۰۹۳۱، ص ۱۷) اکثریت مالکان شهرستان بیجار در شهرهای بزرگ (تهران و همدان) زندگی می کردند و روستاهایی حاصلخیزشان را (به تاریخ سه سال قبل از اصلاحات ارضی) به نام فرزندان و اعضای خانواده خود سند زده بودند و ۸۶ روستای خالی از سکنه و فاقد فعالیت کشاورزی به دولت معرفی نموده بودند، از طرف دیگر زمین های حاصلخیز روستاهای تحت مالکیت خود را به بهانه مکانیزه بودن، سهم شش دانگ خود قرار داده بودند، به طور کل می توان ادعا نمود که مالکان روستاهای این

شهرستان بسیار مسالمت آمیز با تقسیمات اراضی رفتار نمود. مالکان در شهرستان بیجار هیچ گونه مخالفتی از خود نشان ندادند. فرماندار وقت، آقای ترابی و پنج تن از کارمندان شهربانی شهرستان با همکاری مالکان، اختیارات لازم را در اختیار نمایندگان دولت قرار می دادند. (مرکز اسناد ریاست جمهوری، سند شماره ۷۸۰۸۵)

همچنین در شهرستان های سقز، بانه و میوان اجرای برنامه اصلاحات ارضی برخلاف "بیجار و قروه" موجب موضع گیری تند زمین داران این مناطق گردید و هرکدام برای نارضایتی خود دلایلی داشتند؛ مانند: بقای تشکیلات قبیله ای در سقز، بانه، دیواندره، میوان و اورامانات که از مهم ترین ویژگی های اجتماعی این نواحی محسوب می شد. اگرچه مردم این مناطق در روستاها سکونت داشتند، اما بافت قبیله ای خود را حفظ کرده بودند. (مالکان شهرستان سقز، زمانی که با اصرار مأموران دولتی برای واگذاری زمین های خود مواجه شدند، بدترین رفتارها را با کشاورزان نمودند و حتی در روستای "ایران شاه" و چند روستای دیگر آن ها را از محل زندگی شان بیرون راندند. (سجادی، ۱۳۸۱، ص ۲۶)

سکونت مالکان در روستاها، اثرات روانی-اجتماعی و اقتصادی بسیاری بر روستاییان می گذاشت و حضور در روستاها تعلق خاطر آن ها را به همراه داشت، این تعلق خاطر موجب سرمایه گذاری، عمران و آبادانی روستا از طرف مالکان می شد. مالکان، نیازهای اقتصادی کشاورزان را برآورده و به آن ها وام قرض الحسنه پرداخت می کردند و به نوعی مرجع روستاییان به حساب می آمدند. از طرف دیگر مالکان نقش واسطه بین نهادهای حکومتی و روستاییان را بر عهده داشتند. با حذف آن ها از ساختار قدرت، اداره روستاها توسط حکومت انجام گرفت و رعیتی که تا قبل از اصلاحات ارضی سرباز مطیع و نیروی مولدی به حساب می آمد، به نیرویی در تقابل با مالک تبدیل شد.

بعد از اجرای برنامه های عمرانی از جمله اصلاحات ارضی، سهم دامداری در میزان درآمد مردم کردستان از ۳۵ به ۵۵ درصد افزایش یافت و سهم کشاورزی از نظر کسب درآمد از ۶۵ درصد به ۴۴/۷ درصد کاهش یافت. یعنی نقش فعالیت در بخش دامداری در تامین معیشت یک خانوار روستایی بیشتر از بخش زراعت بود. (شیبانی، ۱۳۵۲، ص ۱۸۳) این آمار و نقش تاثیرگذار بخش دامداری در تامین معیشت خانوارهای کردستان قابل تامل می باشد.

کشاورزی مکانیزه و ایجاد تجهیزات کشاورزی یکی از اصول مهم برنامه های عمرانی، اقتصادی و اجتماعی پنج گانه دوره پهلوی دوم بود که تقریباً از اواخر دهه سی در کردستان رواج پیدا کرد. حدود یکصد و ده دستگاه تراکتور در سال ۱۳۳۷، در این استان مشغول به کار بودند،

اما حداقل تا آن زمان تعمیرگاه نداشتند و در صورت نیاز به تعمیرات (حتی تعمیرات ساده) باید به تهران منتقل می‌شدند. (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۱۹، ج ۲۲۳، مورخه ۱۳۳۷/۵/۱۹) تا قبل از اصلاحات ارضی، کشاورزان کردستانی معمولاً از کود شیمیایی و سم دفع آفات استفاده نمی‌کردند. (ساکما، شماره سند ۲۹۰/۸۳۳۰) محصولات گندم و جو دچار آفات نباتی می‌شدند و مبارزه با آن‌ها در توان کشاورز نبود، زیرا نیاز به اقدام دولت و ماشین‌آلات جدید داشت. هجوم ملخ و سیاهک از آفات اصلی کشاورزی در کردستان بود. (ساکما، شماره سند ۲۵۵۳/۲۹۳/۹۱ و ۲۲۰/۱۴۷۱۹) با ورود ماشین‌آلات جدید کشاورزی (تراکتور و کمباین) ظرفیت شخم و کشت محصولات افزایش یافت و به تدریج مراتع نیز جهت کشت تخریب و تصرف شد. بارندگی سالیانه متوسط (حدود ۴۰۰ میلیمتر) و کشت متوالی زمین موجب فرسودگی و فرسایش خاک می‌شد. در این میان برخی از مراتع و مزارع به صورت کوه‌ها و تپه‌های سنگی و لم‌بزرع درآمد و از طرفی کمبود مراتع، کاهش علوفه را در پی داشت. (ساکما، شماره سند ۱۰۷۹۶/۱۰۲۹۳/۹۱) محصول گندم محلی کردستان، نیاز به بوجاری^۲ داشت در حالی که دستگاه بوجاری محدود و کم بود. (ساکما، شماره سند ۲۴۹۵/۹۱/۲۹۳)

از سال ۱۳۴۱، طرح خاک‌شناسی در برخی از روستاهای استان کردستان به منظور توسعه کشاورزی به اجرا درآمد. از جمله این روستاها "طیانه و سرابکام" در بخش کامیاران از توابع شهرستان سنندج بود. (ساکما، شماره سند ۲۲۰/۱۴۷۱۹) در برنامه عمرانی چهارم (۱۳۵۱-۱۳۴۶) شش برنامه در خصوص شناسایی و حاصلخیزی خاک مصوب شد. (گزارش توزیع طرح‌های عمرانی برنامه چهارم بر حسب شهرستان و استان (۱۳۴۶-۱۳۵۱)، سازمان برنامه، ۱۳۵۲، ص ۱۲۳) مهندسین مشاور "الکساندرگیپ" در سال ۱۳۴۶، مطالعه شهرستان مریوان را انجام دادند. این منطقه با مساحت دوازده هزار هکتار که هشت هزار آن طبق تشخیص مؤسسه خاک‌شناسی، قابل آبیاری بود که با درجات ۱ و ۲ و ۳ مشخص گردید. (ساکما، شماره سند ۳۷۰/۹۵۰۱) مسئولین کشاورزی استان کردستان در اوایل دهه چهل شمسی، تهیه بذر اصلاح شده به اندازه کافی، آزمایش نخود، توسعه کشت کنجد و نباتات روغنی را در برنامه خود قرار دادند. (ساکما، شماره سند ۲۲۰/۱۴۷۱۹) اداره اصلاح و تهیه نهال بذر استان کردستان تا سال ۱۳۴۵ چند ایستگاه مطالعاتی تأسیس نمود. (ساکما، شماره سند ۲۲۰/۱۱۲۶۱) همچنین برای توسعه کشاورزی تصمیم به پیوند درخت‌های جنگلی با درخت میوه گرفته شد. (ساکما، شماره سند ۲۴۹۵/۹۱/۲۹۳)

کشت توتون یکی از مهم ترین محصولات استان کردستان بود که در شهرستان مریوان کشت می شد. در سال ۱۳۵۰، محصول سالیانه توتون در مریوان به حدود ۶۰۰ تن می رسید. بیشتر این محصول در بخش حومه تولید و کشت می شد. ظرفیت انبار شهر مریوان حدود ۳۰۰ تن بود، بنابراین مازاد محصول به سنجده حمل و پس از تخمیر به کارخانه شهر سقز، جهت کارهای آماده سازی و بسته بندی منتقل می شد. (ساکما، شماره سند ۲۵۵۳/۲۹۳/۹۱) قیمت توتون چپق از توتون سیگار ارزان تر بود و مردم محلی به مصرف آن عادت داشتند. (گزارش مقدماتی مطالعات عمران ناحیه کردستان، سازمان برنامه، ۱۳۴۱، ص ۲۳) در کردستان عراق (سال ۱۳۳۷) دولت مرکزی توتون درجه یک را به قیمت ۴۸۳ فلس برابر ۱۱۵ ریال خریداری می کرد در حالی که بهترین توتون در ایران ۷۵ ریال خریداری می شد و کشاورز متضرر می شد. (ساکما، شماره سند ۲۹۰/۸۳۳۰) می توان گفت خرید تضمینی و حمایت دولت از کشاورز عملاً انجام نمی گرفت و این امر موجب عدم انگیزه در کشاورزان می شد.

محصولات کشاورزی و باغی مریوان شامل؛ گندم، جو، ذرت، پیاز، سیب زمینی، انگور، گردو و گلابی وحشی بود. (ساکما، شماره سند ۲۵۵۳/۲۹۳/۹۱) در سقز، گندم، جو و توتون از محصولات عمده بودند. (ساکما، شماره سند ۲۸۲۲/۲۹۳/۹۱) نخود؛ بعد از گندم، جو و توتون، چهارمین محصول کشاورزی اهالی کردستان بود. (در دو نوع نخود سیاه و سفید) از مهم ترین نباتات علوفه ای کردستان می توان به شبدر اشاره کرد. (گزارش مقدماتی مطالعات عمران ناحیه کردستان، سازمان برنامه، ۱۳۴۱، ص ۲۵)

از مشکلاتی که پس از اصلاحات ارضی شکل گرفت؛ عدم تناسب زمین تحت مالکیت کشاورز با سند مالکیت بود. بررسی اسناد دفاتر رسمی ثبت اسناد، عدم دقت در واگذاری زمین به کشاورزان را تایید می کند. زیرا مقدار زمین واگذار شده به کشاورز با مقدار زمینی که در سند قید می شد تفاوت فاحشی داشت. برای اطمینان و بررسی این موضوع، بایگانی دفترخانه (شماره یک و دو) شهرستان بیجارگروس و امور زراعی جهاد کشاورزی بررسی شد. دو نمونه از موارد متعدد را در این پژوهش ذکر می کنیم: در روستای صادق آباد واقع در بخش چنگ الماس، دهستان خسروآباد، سند زراعی شماره ۳۹۶۸ دفترخانه رسمی شماره دو به تاریخ صدور ۱۳۵۱/۵/۱۶ "پلاک ۲۳" واقع در بخش چهار دهستان خسروآباد به نام "محمد هاشم گاورسینی" ثبت شده است. مقدار زمین ثبت شده در سند رسمی سیصد و بیست من می باشد و براساس عرف محل حدود هشت هکتار زمین به کشاورز واگذار شده است؛ اما در عمل زراع حدود ۴۰ هکتار زمین زراعی در اختیار دارد. نمونه دیگر سند رسمی

دفترخانه شماره یک به تاریخ صدور ۱۳۵۰/۶/۱۸ "پلاک ۱۲" واقع در بخش سه دهستان نجف آباد، روستای بابانظر به نام "محمد رحیم رحمانی فلاح" ثبت که بیست و پنج هکتار زمین به نام کشاورز ثبت شده است، اما در عمل حدود ۸۰ هکتار زمین در اختیار کشاورز قرار داشت. (عدم تطبیق سند رسمی با واقعیت موجود). همچنین این روستا بین سه ارباب تقسیم شده بود و هر ارباب دو دانگ مفروز^۳ از شش دانگ را در اختیار داشتند. با اجرای اصلاحات ارضی اربابان قسمت مشهور به چهاردانگ (امیرفواندی و حاج سیدمحمد امامی مشهور به امام جمعه) کلیه زمین های کشاورزی را واگذار نمودند ولی ارباب بخش مشهور به دودانگ (شالوم وجدانی) حدود ۲۵۰ هکتار از بهترین زمین های روستا را به عنوان زمین مکانیزه به نام خود ثبت نمود که در سند های رعایای بخش دودانگ تحت عنوان مفروز آمده است اما همانطور که اشاره شد، با بی دقتی های صورت گرفته در صدور اسناد، با گذشت حدود شصت سال از اصلاحات ارضی، همچنان در خصوص اراضی این روستا، بین کشاورزان، مالکان (قسمت مشهور به چهاردانگ) و ستاد اجرایی فرمان امام (ره) اختلاف شدیدی وجود دارد و حدود ۱۶۰ هکتار زمین مرغوب اما بلا تکلیف در این روستا وجود دارد.

۸. نتیجه گیری

در سال ۱۳۲۷ مجلس برنامه های پنجگانه توسعه عمرانی را تصویب و برای اجرا ابلاغ کرد و سازمان "مدیریت و برنامه ریزی کشور" جهت طراحی، اجرا و نظارت تأسیس گردید. با این برنامه ها فکر تحرک بخشیدن به رشد اقتصادی ایران، با هدف کنترل سیاسی-اجتماعی در محیط اقتصادی پررونق زنده شد. بررسی برنامه های مدون توسعه گرایانه اقتصادی و اجتماعی دوره محمد رضا شاه پهلوی نشان می دهد، هدف اصلی برنامه های عمرانی، گذر جامعه ایران از کشوری عقب مانده با درآمد سرانه کم، بهداشت و سطح پایین استانداردهای زندگی به یک کشور توسعه یافته بود که ایران از یک جامعه سنتی-روستایی به یک جامعه شهری و صنعتی تبدیل شود. اولین برنامه، هم زمان با تصویب آن از سال ۱۳۲۷ به اجرا درآمد و به علت شرایط سیاسی کشور کامل اجرا نشد. برنامه های اول و دوم "هفت ساله" پیش بینی شده بودند. برنامه سوم در سال ۱۳۴۱ خورشیدی آغاز شد و طول اجرای آن به پنج سال کاهش یافت. مهمترین ویژگی برنامه سوم، جامعیت آن بود. با وجود اجرای برنامه های تعریف شده (اقتصادی و اجتماعی) و تطبیق آن با واقعیات موجود، جامعه کردستان همچنان از نابسامانی اقتصادی و

اجتماعی رنج می برد و برخلاف آنچه که مدنظر برنامه ریزان بود، در عمل آثار مثبت چندانی نداشت.

یافته های پژوهش حاضر نشان می دهد، حاکمیت پهلوی دید مثبت و سازنده ای به کردستان نداشت و نگاه رژیم به این استان، یک نگاه کاملاً امنیتی بود. در واقع کردستان بهره کمی از برنامه توسعه ای داشت و هم چنان محروم ماند. تحقیقات میدانی و بررسی اسناد معتبر نشان داد که این برنامه ها تا حدی چهره روستاها را تغییر داد، اما به دلیل مشکلات و چگونگی اجرا، پیامدهای منفی را به دنبال داشت، از جمله: وضعیت مالکیت زمین های کشاورزی به طور کامل مشخص نشده بود، کشاورزانی که در اصلاحات ارضی سند مالکیت دریافت نمودند، بعد از گذشت سال ها از اجرای اصلاحات ارضی با مشکلات بغرنجی دست و پنجه نرم می کنند. همچنین اجرای طرح های اقتصادی برنامه محور به فقر بیشتر روستاییان دامن زد. این برنامه ها خوشبختی کشاورزان روستایی را به ارمغان نیاورد و نظام مدیریت سنتی روستایی بدون جایگزین مناسب برچیده شد. روستاها آبادانی، طراوت و چهره تولیدی خود را از دست دادند. از آن جایی که برنامه های توسعه اجتماعی - اقتصادی پهلوی دوم در استان کردستان بیشتر مربوط به طرح های خدماتی بود. (متأثر از رویکرد سیاسی - امنیتی) در نهایت منجر به شکل گیری نارضایتی عمومی و آسیب پذیری سیاسی گردید. در پایان می توان گفت: نوسازی در زیرساخت های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بسیار کند و غیرقابل قبول بود.

پی نوشت ها

۱. در سال ۱۳۲۷ مجلس برنامه های توسعه عمرانی را تصویب و برای اجرا ابلاغ کرد و سازمان "مدیریت و برنامه ریزی کشور" جهت طراحی، اجرا و نظارت تأسیس گردید.
۲. پاک کردن غلات و حبوبات از خاک و خاشاک به وسیله غربال را بوجاری گویند.
۳. اصطلاح مفروز در برابر مشاع زمانی به کار می رود که از نظر مقررات ثبتی، قصد جداکردن یک قسمت از سهم مالکیت یکی از شرکاء از سهم سایر شرکاء در ملک معین مطرح باشد. یعنی اگر چند نفر هر کدام مقدار مشاعی از ملک را مالک باشند و بخواهند سهم خود را مفروز کنند تا مستقلاً از ملک خود بهره برداری کنند، باید آن ملک به نسبت سهم مشاعی مالکان میان آنان افزای شود.

شیوه ارجاع به این مقاله

رحمانی فلاح، سجادی حسینی، میرهادی، آقامیرزایی، سید اصغر. (۱۴۰۱). (کشاورزان کردستان و برنامه های اصلاحات اقتصادی در دوره پهلوی دوم) (مطالعه اسنادی). تحقیقات تاریخ اجتماعی ۱۲(۲).

Doi: 10.30465/shc.2023.40246.2327

کتابنامه

- آمارگیری کشاورزی کل کشور، (۱۳۳۹)، وزارت کشور؛ اداره کل آمار عمومی، اداره آمار شناسی کشاورزی، ج ۶، گزارش حوزه استان کردستان، تهران، بی تا
- برین، سن مارتین، (۱۳۷۸)، جامعه شناسی مردم کرد (آغا، شیخ، دولت...) ترجمه: ابراهیم یونسی، چاپ اول، تهران، نشر پانید
- حیرت سجادی، عبدالحمید، (۱۳۸۱)، ایلات و عشایر کردستان، سنندج، نشر دانشگاه کردستان
- شیبانی، ابراهیم، (۱۳۵۲)، ارزش افزوده بخش زراعت در کشاورزی ایران، تهران، دانشکده اقتصاد ایمانی، حسین و سروه فتاحی، (۱۳۹۰)، ساختار نظام بهره برداری ارضی در کردستان قبل از اصلاحات ارضی، مجله جامعه شناسی ایران، دوره دوازدهم، شماره ۱-۲
- روزنامه اطلاعات، (۱۳۳۴/۷/۲)، شماره ۸۸۱۶، ص ۱۰
- روزنامه اطلاعات، (۱۳۴۱/۶/۲۱)، آگهی نوبت اول مربوط به اجرای قانون اصلاحات ارضی در کلیه مناطق و بخش های تابعه شهرستان، (قروه - سنندج)، شماره ۱۰۸۹۵
- روزنامه اطلاعات، (۱۳۴۱/۸/۱)، آگهی نوبت اول مربوط به اجرای قانون اصلاحات ارضی در بخش ها و شهرستان های سقز، روزنامه اطلاعات، شماره ۱۰۹۳۰
- روزنامه اطلاعات، (۱۳۴۱/۸/۲)، آگهی نوبت اول مربوط به اجرای قانون اصلاحات ارضی در کلیه مناطق و بخش های شهرستان بیجار، اطلاعات شماره ۱۰۹۳۱
- روزنامه اطلاعات، (۱۳۴۲/۱/۲۶)، شماره ۱۱۰۶۸، ص ۱۰
- سازمان برنامه، (۱۳۴۱)، گزارش مقدماتی مطالعات عمران ناحیه کردستان
- سازمان برنامه، (۱۳۵۲)، گزارش توزیع طرح های عمرانی برنامه چهارم بر حسب شهرستان و استان (۱۳۴۶-۱۳۵۱)
- سازمان برنامه، (بی تا)، امکانات توسعه صنعتی در کردستان و کرمانشاهان.

کشاوریان کردستان و برنامه های اصلاحات ... (سجاد رحمانی فلاح و دیگران) ۱۲۳

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، (ساکما)، شماره سند ۹۱/۲۹۳/۲۳۶۶، ۹۱/۲۹۳/۲۴۴۵، ۹۱/۲۹۳/۲۴۹۵، ۹۱/۲۹۳/۲۴۹۵، ۹۱/۲۹۳/۲۵۵۳، ۹۱/۲۹۳/۲۷۹۰، ۹۱/۲۹۳/۲۸۲۲، ۹۱/۲۹۳/۹۶۰۳، ۹۱/۲۹۳/۹۶۱۸، ۹۱/۲۹۳/۹۶۵۱، ۹۱/۲۹۳/۱۰۷۹۶، ۹۱/۲۹۳/۴۱۳۵، ۲۲۰/۹۰۱۸، ۲۲۰/۱۱۲۶۱، ۲۲۰/۱۴۷۱۹، ۲۳۰/۷۴۹۱، ۲۹۰/۱۴۷۱، ۲۹۰/۸۳۳۰، ۳۷۰/۹۵۰۱.

مرکز اسناد ریاست جمهوری، سند شماره ۷۸۰۸۵

مرکز اسناد ریاست جمهوری، سند شماره ۲۸۵۱۲

لوح فشرده مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، (۱۳۳۷/۵/۱۹)، دوره ۱۹، ج ۲۲۳



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی